

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ اکتوبر ۲۰۲۲

تبرئه امریکا با طرح یک سوال گمراه کننده!

چهارشنبه - ۲۷ میزان ۱۴۰۱ - کابل: به دنبال آن که چند تن از وطن فروشان و مردم فروشان در آغاز هفته از طریق ویدیو کنفرانس چهارمین سالگرد کشته شدن قومندان "رازق اچکزئی" را که به تاریخ ۲۶ میزان ۱۳۹۷ به وسیله یک تن از افراد طالب به قتل رسید، برگزار کردند و آن ویدیو کنفرانس از طریق رسانه "افغانستان انترنیشنل" که به گفته مطلعان اوضاع افغانستان از جانب "MI6" تمویل، سازماندهی و هدایت می شود، با بوق و سرنا تبلیغ گردید، یک بحثی بین تعدادی به اصطلاح چیز فهمان و نخبگان جامعه سیاسی افغانستان آغاز یافت که چرا تروریست طالب به جای جنرال "سکات مولر امریکائی" جنرال "رازق اچکزئی" افغان را به قتل رسانید. در یادداشت امروز مکث مختصری در همین زمینه خواهیم داشت:

این که فرد قاتل یعنی آنی که ماشه تفنگ را کشید و قومندان "رازق" را به قتل رسانید، یعنی "ذبیح الله" با اسم مستعار "ابودجانه" که ۱۸ سال بیشتر نداشت و در سمت محافظ والی قندهار "زلمی ویسا" ایفای وظیفه می نمود مگر یک عضو مخفی طالبان بود، کاملاً روشن و آشکار است نباید بدان معنا تعبیر گردد که آن ترور صرف کار طالب بود و حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" و امپریالیسم امریکا در آن نقشی نداشتند. چنین طرز دیدی که تلاش می ورزد از نفرت مردم علیه طالب سود جسته، تمام مسؤولیت را برگردن طالب بیندازد، با چنین روشی تلاش می ورزد، دو نکته بسیار ارزنده و مهم را از انظار کتمان نماید، یکی ستراتیژی "انتقال آرام قدرت" به طالب از سوی امریکا و دیگری همکاری و هماهنگی کامل میان اعضای "مثلث ائتلافی" یعنی حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی"، قومندانی نیروهای اشغالگر و طالب- این مثلث در بعضی موارد با افزودن داعش در آن مربع و یا چهار ضلعی می شد، از نوع به خاک و خون کشانیدن جنبش روشنائی و ... که فعلاً موضوع بحث ما نیست.

۱- درک ستراتیژی انتقال آرام قدرت به طالب از جانب امریکا، اگر تا دیروز یعنی در زمانی که "قومندان رازق" به قتل رسید برای "ستراتیژیست های وطنی ما" زیاد محسوس و معلوم نبود و آنها شرکت دادن امریکا را در آن توطئه، به نحوی "تئوری توطئه" تبلیغ نموده از امپریالیسم امریکا آشکارا دفاع می نمودند، امروز بعد از تطبیق همان ستراتیژی و انتقال آرام قدرت به طالب، به گفته برخی ها "بدون آن که بینی کسی در کابل خون شود"، باز هم بر همان مواضع ایستادگی کردن، اگر تبارز روشن ادعای حکم فرهنگ مرد سالار که "مردان را یک گپ است" نباشد؛ یا

برخاسته از جهل و بلاهت گوینده است و یا هم روابط استخباراتی امنیتی گوینده وی را وادار می سازد تا چنین خیره سرانه بر نظرش تأکید بورزد.

هموطنان گرامی!

من در نوشته "زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب" که در همین صفحه منتشر شد، با ارائه مثالهای چند و نام بردن از افراد معینی تقریباً مستند بیان داشتم که امپریالیسم امریکا و شرکاء جهت تحقق ستراتیژی انتقال آرام قدرت و حاکمیت به طالب، یکی از تکتیک هائی را که به کار بردند، حذف فزیک و ترور جسمانی افراد و شخصیت های منطقه ئی و قومی مخالف طالب، به خصوص آنهایی بود که بالقوه کینه، دشمنی، ظرفیت، اراده و توان دشمنی با طالب را داشتند و می توانستند در صورتی که امریکا می خواست حاکمیت را به طالب بسپارد، از جانب شخص خودشان و نفوذ و توانمندی های نظامی شان تحقق آن تصمیم را به مشکل مواجه بسازند، مانند قومندان "داوود داوود، رازق اچکزی" و ده ها تن دیگر.

۲- همان طوری که نوشتیم طرح سؤال گمراه کننده، می خواهد بر مثلث شوم ائتلاف بین حاکمیت پوشالی، طالب و اردوی اشغالگر پرده بیفکند. این تلاش هم اگر تا قبل از سقوط کابل و یا بهتر است نوشت سپردن حاکمیت به طالب از جانب دو ضلع دیگر مثلث یعنی حاکمیت پوشالی و اردوی اشغالگر در پرده ابهام قرار داشت، مگر ۱۵ اگست و انتقال قدرت با آن شکل مفتضحانه اش روشنتر از آن است که بتوان آن را انکار کرد. این روشنائی و وضاحت زمانی مستند می گردد که به گفته های آخرین "لوی درسنیز" حاکمیت پوشالی گوش داده شود و معنای این را که "وقتی می خواستیم اقدامی نمائیم و علیه طالب و پیشروی های آنها بایستیم، قومندانی امریکا و ارگ به ما دستور می دادند تا علیه طالب اقدامی ننمائیم و صرف در قطعات خود باقی بمانیم" صرف با وجدان بیدار گوش داده شده و درک گردد.

هرگاه حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" و اشغالگران امریکائی به خصوص شخص "سکات مولر" قومندان قوای امریکا در آن توطئه مشترکاً عمل نمی نمودند و توطئه از قبل سازماندهی شده نمی بود، چطور می شد:

*- این اتفاق زمانی رخ دهد که "زلمی ویسا" یعنی کسی که در کشتن قومندان "داوود داوود" با عین تکتیک دست داشت، در قندهار والی باشد؛

*- جوانگ ۱۸ ساله ای که عضو مخفی طالب بود و خود را از تمام فلتر های امنیت ملی و "سیا" و شناخت های قومی گذرانیده، به عنوان محافظ والی مقرر شده بود؛ این نکته زمانی اهمیت می یابد که بدانیم در ولایات و مرکز حتماً افراد ملکی نزدیک به مقامات از ده فلتر امنیتی عبور داده می شدند تا چه رسد به فردی که تفنگی را در دست داشته باشد؛

*- با استناد به گفته افرادی از قماش "سپینتا" که حین ورود زعمای امریکائی و قومندان قوای نیروهای اشغالگر نه تنها تمام نیروهای افغانستان خلع سلاح می شد، بلکه تلاشی بدنی هم صورت می گرفت، چه شد که در چنان روزی کسی به فکر تفنگ "ابودجانه" نیفتاده بود، نکند شخص ابودجانه از "سرمه سلیمانی!!" استفاده نموده با تفنگش ناپیدا شده بود؟

*- هرگاه توطئه از قبل تدارک دیده نشده بود، چه شد که وقتی قومندان رازق از آمدن به ولایت امتناع ورزید و عدم اعتمادش را بر والی اعلام داشت، قومندان مولر وی را با تهدید "ب ۵۲" وادار به شرکت در جلسه نمود؟

۳- توقع من از این "مطالعان سیاسی" و ستراتیژیست های خود نامیده و بزرگ شده به وسیله رسانه های استعماری این است که برای حفظ آبرو و حیثیتی که تا حال کمائی نموده اند، نکوشند تا هر چه را که اندکی مغلق بود و برخاسته از تکتیک ها، پیوند ها و ستراتیژی های چندگانه بود و درک دیالکتیکی آنها مشکل به نظر می رسید با زدن یک جمله "تئوری توطئه است" بی اعتبار اعلام نموده گردن خود را از پاسخگوئی دقیق رها نمایند.

هموطنان گرامی!

در جهانی که ما زندگانی می‌نمائیم پدیده‌ها و وقایع چنان با هم ارتباط چند گانه و چند لایه دارند که اگر بگویم "هزار خانه گوسفند" و "خانه زنبور" نزد آن ساده است، مبالغه نکرده‌ام. از همین رو وقتی می‌خواهیم در مورد یک پدیده اجتماعی صحبت نمائیم باید این زحمت را نیز به خود بدهیم که روابط آن پدیده با سایر پدیده‌ها اعم از مشابه و مغایر را نیز با دقت کنکاش و ارزیابی نمائیم، بعداً ابراز نظر نمائیم.

در مورد همین مسأله مشخص، قبل از آن حکمی صادر نمائیم می‌باید تمام جوانب قضیه از مطالعه ستراتیژی امریکا گرفته تا روال عادی و روزمره کار در ادارات آنها با حضور مقامات امریکائی را دقیق مطالعه نموده، بعداً حکمی صادر نمائیم. در غیر آن باید بپذیریم که هم خود را بی اعتبار می‌سازیم و هم بر روی جنایت دشمنان خلق ما روپوش می‌گذاریم.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع‌ها را مذهبی-طالبی به صورت خاص می‌باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**